

## قد وضع الميزان

اندیشه‌ای بر انتشار کتاب اقدس<sup>(۱)</sup>

هو سماء قد زَيَّنَّاها بِأَنْجُمِ الْأَوامِرِ وَالتَّوَاهِي ... قُلْ يَا قَوْمِ خُذُوهُ بِيَدِ التَّسْلِيمِ ... لِعَمْرِي قَدْ نَزَّلَ عَلَيَّ شَأِينَ يَتَحَيَّرُ مِنْهُ الْعُقُولُ وَ الْإِفْكَارُ أَنَّهُ لِحُجَّةٍ الْعُظْمَى لِلرُّوْى وَ بَرهانِ الرَّحْمَنِ لِمَنْ فِي الْأَرْضِينَ وَ السَّمَوَاتِ ... طوبى لِمَنْ لَذاقَةُ يَجْدُ حِلاوتِها وَ لَذى بَصِيرِ يَعْرِفُ ما فِيها وَ ذى قَلْبٍ يَطَّلِعُ بِرِموزِها وَ اسرارِها تالِّلهُ يَرْتَعِدُ ظَهْرُ الْكَلَامِ مِنْ عِظْمَةِ ما نَزَّلَ وَ اشارتِ الْمُقْتَنَّةِ لَشِدَّةِ ظُهورِها<sup>(۲)</sup> ... هَذَا كِتَابٌ أَصْبَحَ مُصْبِحاً لِلْعَالَمِ وَ صِراطِ الْاِقْوامِ بَيْنَ الْعَالَمِينَ قُلْ أَنَّهُ لِمَطَّلِعِ عِلْمِ اللَّهِ لو انْتُمْ تَعْلَمُونَ وَ مُشْرِقِ اْوامِرِ اللَّهِ لو انْتُمْ تَعْرِفُونَ<sup>(۳)</sup> ... قُلْ هَذَا رُوحُ الْكُتُبِ قَدْ نَفَخَ بِهِ فِي الْقَلَمِ الْاَعْلَى وَ أَنْصَعِقْ مَنْ فِي الْاِنْشاءِ الْاَمَّنْ أَخَذَتْهُ نَفْحَاتِ رَحْمَتِي وَ فَوْحاتِ اَطْفافِي الْمُهَيْمِنَةِ عَلَيَّ الْعَالَمِينَ ...<sup>(۴)</sup>

در این آیات که عمده از کتاب اقدس اخذ شده، حضرت بهاء الله بنفسه المقدس بر رتبه متعالی و مقام بی مثل کتاب اقدس در میان آثار مبارکه ایشان شهادت می دهند. این کتاب، به فرموده حضرت ولی امرالله، "در بین صحف و اسفار سماویه بی نظیر و مثیل و عدیل است." (۵) این سفر مبین، کتاب اساسی و مهم، یعنی "ام الكتاب" (۶) در این ظهور می باشد. در کتاب ایقان تلویحاً با این بیان به کتاب اقدس اشاره شده است، "... کتاب او که رجوع کل کتب به آن است و مهیمن است بر جمیع کتب." (۷) حضرت ولی امرالله آن را به این صورت مورد مدح و ستایش قرار داده اند، "این سفر بدیع مخزن احکام و شریعت ربانیه است که اشعیای نبی بدان بشارت داده و حضرت یوحنا در مکاشفات خویش به 'سما جدیده' و 'ارض جدیده' و 'هیکل رب' و 'مدینه مقدسه' و 'عروس' و 'اورشلیم جدید النازل من السماء' تشبیه نموده است." (۸)

در مقایسه با اهمیت این اثر و رتبه بی مثل آن، علاقه و توجهی است که بهائیان به آن نشان داده اند که در قلم مؤخرها، سخنرانی‌ها و دوره‌های آموزشی برای تدریس آن مشهود و معلوم می گردد. این موضوع ابداً

۱- این مطلب در Bahá'í Studies Review 3.1 (1993) انتشار یافته است.

۲- قرن بدیع، طبع کانادا، ص ۴۳۲

۳- کتاب اقدس، بند ۱۸۶

۴- مقاله‌ای در معرفی کتاب اقدس، بدیع الله فرید، طبع مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۰ بدیع، صفحه ۱۷ / اسرار الآثار خصوصی، ج ۱، ص ۱۶۵

۵- قرن بدیع، ص ۴۲۷

۶- اقدس، بند ۱۰۳ / قرآن سوره آل عمران، آیه ۴؛ سوره رعد، آیه ۴۰؛ سوره بروج، آیه ۲۲

۷- کتاب ایقان، طبع ۱۵۵ بدیع، آلمان، لجنة ملی نشر آثار بهائی به زبان فارسی و عربی، صفحه ۱۳۱

۸- قرن بدیع، ص ۴۲۶

حیرت‌انگیز نیست، زیرا تا امسال<sup>(۹)</sup> ترجمه معتبری از متن کامل این کتاب به یک زبان عمده غربی در دست نبود. تقریباً یک سوم این کتاب توسط حضرت ولی امرالله ترجمه و عمده در طی گلچینی از بیانات مبارکه موسوم به منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله<sup>(۱۰)</sup> انتشار یافت.<sup>(۱۱)</sup> در زمره این منتخبات می‌توان فقراتی را یافت که در طی آنها حضرت بهاءالله مبنای تقنین خود را که، همراه با مفهوم تسلسل ظهورات الهیه، که در کتاب ایقان مطرح گردیده و قسمت اصلی الهیات بهائی<sup>(۱۲)</sup> را تشکیل می‌دهد، تشریح می‌فرمایند.

تلخیص و تدوین حدود و احکام<sup>(۱۳)</sup> که در سال ۱۹۷۳ توسط بیت‌العدل اعظم انتشار یافت حاوی همین فقراتی است که توسط حضرت شوقی افندی ترجمه شد. یکی از اهداف تعیین شده در مرکز جهانی برای جهاد کبیر اکبر روحانی دهساله توسط حضرت ولی امرالله، تدوین احکام و حدود کتاب اقدس بود و هیکل مبارک رئوس کلی خلاصه‌ای از احکام و تدوین و تنظیم آنها به زبان انگلیسی و یادداشتهایی به زبان فارسی را در زمان صعود در سال ۱۹۵۷<sup>(۱۴)</sup>، از خود به جای گذاشتند. برخی فقراتی که بعدها تحت نظارت و هدایت بیت‌العدل اعظم ترجمه و انتشار یافت در آنچه که متعاقب آن منتشر شد نیامده است. از جمله آمال حضرت ولی امرالله بود که تلخیص و تدوین حدود و احکام بتواند به عنوان "شرط لازم"<sup>(۱۵)</sup> برای ترجمه کامل و

---

۹- توضیح مترجم: ترجمه انگلیسی کتاب مستطاب اقدس در سال ۱۹۹۲ و نسخه اصل با منضّمات فارسی آن در سال ۱۹۹۵ توسط بیت‌العدل اعظم انتشار یافت. در مقدمه نسخه فارسی آمده است: "چنانچه بر کل معلوم است کتاب مستطاب اقدس سالیان متمادی به صورت نسخ خطی و چاپی در دسترس یاران بوده است. حال که ترجمه این سفر جلیل به زبان انگلیسی تکمیل و با ملحقات و توضیحات متعدده منتشر گردیده، حسب الامر معهد اعلی کلیه این توضیحات از انگلیسی به فارسی ترجمه و با متن کتاب اقدس و ملحقات در این مجلد به طبع رسیده است.

۱۰- توضیح مترجم: *Gleanings from the Writings of Baha'u'llah* طبع ۱۹۳۲ و ۱۹۵۲ توسط محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده. نسخه اصل بیانات مبارکه تحت عنوان فوق در سال ۱۴۱ بدیع توسط لجنة نشر آثار امری بلسان فارسی و عربی در آلمان انتشار یافت.

۱۱- فقرات ۳۷، ۵۶، ۷۲-۷۰، ۹۸، ۱۰۵، ۱۰۵، ۱۵۹، ۱۶۵

۱۲- اصطلاح الهیات «theology» برای هر گونه تفکر منظم، تحلیلی و سیستماتیک در خصوص ظهور الهی به کار می‌رود. در خصوص مفهوم "الهیات بهائی" به مقاله Prolegomena to Baha'i Theology (مقدمه‌ای بر الهیات بهائی) اثر جک مک‌لین Jack McLean مندرج در *Journal of Baha'i Studies* 5:1 و *Philosophical Theology in Baha'i Scholarship* (الهیات فلسفی در تنبّعات بهائی) مندرج در *Baha'i Studies Bulletin* 6:4-7:2, 1992:66-91 اثر رابرت پری Robert Parry مراجعه نمایید.

۱۳- توضیح مترجم: این کتاب قبلاً به طور مستقل با عنوان *Synopsis and Codification* انتشار یافت و اینک با تغییراتی ضمیمه کتاب مستطاب اقدس، صفحات ۷۴ الی ۱۰۳، انتشار یافته است.

۱۴- ۱۳۳۶ شمسی

۱۵- دیباچه کتاب اقدس، نشر مرکز جهانی، ص ۳ [حضرت ولی امرالله در سنه ۱۹۵۳ میلادی تلخیص و تدوین حدود و احکام کتاب مستطاب اقدس را یکی از اهداف نقشه ده ساله معین فرموده تحقق آن را شرط لازم برای ترجمه کتاب اقدس به لسان انگلیسی مقرر داشتند.]

انتشار کتاب مستطاب اقدس، که با حواشی فراوان و توضیحات مفصّله همراه باشد، به کار آید. بهائیان خود را برای این واقعه، که بیت‌العدل اعظم آن را به عنوان "اقدام خطیری که به تنهایی دوره جدیدی را در سیر بلوغ و تکامل عالم بهائی آغاز می‌کند"،<sup>(۱۶)</sup> توصیف می‌فرمایند، کاملاً آماده ساختند. چنین پیشرفت تکان‌دهنده و بهت‌آوری دو امر خطیر را در پیش روی بهائیان قرار می‌دهد که مستلزم بذل مجهودات عظیمه است. اول آن که، آنها خودشان باید عامل به حکم "خذوه بید التّسليم"<sup>(۱۷)</sup> گردند، کتابی را مطالعه نمایند که حضرت بهاء‌الله آن را "مصباح‌القدم للعالم و صراطه الاقوم بین العالمین"<sup>(۱۸)</sup>، کتابی که باعث شد "انصعق من فی الانشاء"<sup>(۱۹)</sup> توصیف فرمودند. آنها تشویق می‌شوند بر تعالیم اصلی و عمده دیانت خود، مانند عهد و میثاق<sup>(۲۰)</sup>، سلطنت الهیه<sup>(۲۱)</sup>، عقیده به "عصمت اعظم" مظهر ظهور الهی<sup>(۲۲)</sup>، مطلق و کامل بودن شریعت الهی<sup>(۲۳)</sup> و مفهوم حرّیت از نظر حضرت بهاء‌الله<sup>(۲۴)</sup> تمرکز نمایند. اگر آنها بر این اساس مستقیم و محکم بمانند به "استقامت کبری"<sup>(۲۵)</sup> فائز می‌شوند. نفوسی که به این حقائق اساسیه، این "اصل اسنی و مقام اعلی"<sup>(۲۶)</sup> که حضرت بهاء‌الله به لسانی غالب و نافذ در کتاب اقدس بیان فرموده‌اند متمسک نباشند، "تحرّکه اریاح الشّبهات و تقلّبه مقالات المشرکین."<sup>(۲۷)</sup>

امر خطیر دیگری که با انتشار کتاب اقدس پیش روی بهائیان قرار می‌گیرد، عکس‌العمل عامّه ناس است. نهادهای مذهبی و جمیع نفوسی که امر مبارک را بدون ادنی احترامی می‌نگرند و بدان سوءظنّ دارند بدون هیچ تأمل و درنگی کتاب را بر مبنای معیارها و تصوّرات خویش مورد قضاوت قرار داده علناً به انتقاد از آن خواهند پرداخت.

انتشار این کتاب به یک زبان غربی آزمایشی برای خود بهائیان خواهد بود. مطمئناً تصادفی نبود که بیت‌العدل اعظم در سال ۱۹۸۷ مجموعه موسوم به بحران و ظفر<sup>(۲۸)</sup> را منتشر ساختند. جامعه بهائی کاملاً واقف است که احتجاج بحران و ظفر، موقّیت و مصیبت، از بدایت تأسیس، رشد و توسعه‌اش را رقم زده و تهاجمات مکرّر که از خارج از جامعه و اعضاء آن هیکل امرالله را هدف قرار داده، در زمره معمول‌ترین و عادی‌ترین بحرانهایی بوده که امر الهی را در بر گرفته است. انتشار کتاب اقدس به یک لسان غربی بلا تردید این جریان را سرعت خواهد بخشید، و امر الهی را، به مراتب بیش از آنچه که در گذشته تجربه کرده، در مواجهه مستقیم و شدیدی با قوای بی‌ایمانی، کفر و تعصّب، و نیز قوای مذهبی عصر و زمان ما قرار خواهد داد. حضرت بهاء‌الله

- 
- ۱۶- پیام رضوان ۱۹۹۱  
 ۱۷- بیان حضرت بهاء‌الله، مندرج در قرن بدیع، ص ۴۲۳  
 ۱۸- کتاب اقدس، بند ۱۸۶  
 ۱۹- مقاله‌ای در معرفی کتاب اقدس، ص ۱۷  
 ۲۰- کتاب اقدس، بندهای ۱-۴  
 ۲۱- کتاب اقدس، بند ۷ / لوح اشراقات، مجموعه اشراقات، ص ۵۷  
 ۲۲- کتاب اقدس بندهای ۴۷، ۱۶۱-۱۶۲، و ۹۹ / تجلّی دوم از لوح تجلیات، مجموعه اشراقات، صفحه ۲۰۲؛ لوح اشراقات، مجموعه اشراقات، ص ۵۸ به بعد  
 ۲۳- کتاب اقدس، بندهای ۲-۴؛ لوح رضوان‌العدل، آثار قلم اعلی ج ۴، ص ۲۵۳، منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، ص ۱۱۶  
 ۲۴- کتاب اقدس، بندهای ۱۲۶-۱۲۲  
 ۲۵- کتاب اقدس، بند ۱۶۳  
 ۲۶- همان مأخذ  
 ۲۷- همان مأخذ  
 ۲۸- Crisis and Victory

از مؤمنین به خود خواسته‌اند که، "بر ردّ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ اللَّهُ آنچه قادر باشند بنویسند." (۲۹) بهائیان، اعم از فردی یا جمعی، کاملاً توصیه و هدایت می‌شوند که با استفاده از استدلالهای منطقی، قوی و منسجم، مبتنی بر ایمان محکم و درک صحیح تعالیم اساسی دیانتشان و شرایط مذکور در مقدّس‌ترین کتابشان، کتاب اقدس، خود را برای دفاع از امر مبارک آماده سازند.

باید به خاطر داشت که اروپاییان در اواخر قرن بیستم آنقدر آمادگی نداشتند که چنین اثری را درک کنند. آنها بر اساس تفکر مذهبی خود، نسبت به شکل اخیر مسیحیت که، حتی در تاریخ اولیه خود، نظریه‌ها و عقایدی را ایجاد کرد که از اصل و مبدأ خود بسیار دور بود و با تعالیم امر بهائی بسیار متفاوت است، احساس تعهد می‌کنند. بعلاوه، سه قرن تنویر فکر اروپایی تأثیر خود را بر کلیساها باقی گذاشته است. همانطور که هرگونه بحثی با یک عالم الهیات فوراً مکشوف می‌سازد، آنها اندیشه‌هایی غیرمذهبی را اتخاذ کرده‌اند که با سنت کلیمی - مسیحی - اسلامی، که امر بهائی نیز خود را مبتنی بر آنها ساخته، بسیار متفاوتند. فی‌المثل، یک عالم جوان الهیات کاتولیک، که امر بهائی را به طور کامل، با احساس علاقه و نظر موافق، مورد مطالعه قرار داده، وقتی متوجه شده آنچه که از فرد مؤمن خواسته می‌شود تسلیم صرف و محض در مقابل شریعت و حکم الهی است، بسیار آشفته و پریشان شده است. او می‌گوید که خود را از ورطه سنت‌گرایی رهایی نبخشیده که در ورطه مشابه دیگری بیفکند. او از این اندیشه و نظریه متوحّش شد که اراده مطلقه خداوند را که به مؤمنین می‌گوید چگونه عمل کنند و چسان زندگی کنند، بپذیرد. او می‌گفت که از این دو، او انجیل را ترجیح می‌دهد، که فرد را منحصر می‌سازد که زندگی‌اش را به دلخواه خویش و منطبق با آراء و دیدگاههای رایج و متداول انسان، زندگی و جامعه هدایت نماید. (۳۰) مورد دیگری مؤید این نکته است. لویز رینسر (۳۱)، داستان‌نویس شهیر آلمانی، اخیراً در نامه‌ای خطاب به یکی از بهائیان نوشت، "البته، سالها است که امر بهائی را می‌شناسم. اما، از یک عبارت ناراحت‌کننده، "الحزب في اتباع او امری." (۳۲) من میل ندارم خود را تسلیم احدی نمایم و از کسی تبعیت کنم. من خودم را فقط تسلیم خداوند می‌کنم، و نسبت به نفوسی که ادعاهای سلطه‌جویی و خودکامگی دارند، بیش از همه سوء ظن دارم. به عنوان کاتولیک، خودم را از عقاید جزم‌اندیشه‌کن کلیسا، که بسیار از آن رنج بردم، رها ساختم. به این علت است که نمی‌توانم بهائی بشوم." (۳۳)

از اذهان منتقد معاصر با شکاکیت عمیق که نسبت به دین دارند چه نوع درکی را می‌توان انتظار داشت؟ یا از نفوسی که دین را بقایای یک امر کهن، منسوخ و محکوم به فنا می‌دانند، یک ناهنجاری تاریخی جالب ولی در عین حال ناموجه تلقی می‌کنند، یک مخلوق شاعرانه تفکر بشری محسوب می‌دارند که فقط تا زمانی که توضیحات علمی مبتنی بر عقل و منطق برای عالم وجود نداشت، نوع بشر را همراهی می‌کرد، چه نوع دریافت و استنباطی را می‌توان توقع داشت؟

۲۹- لوح سلیمان، مجموعه الواح مبارکه طبع مصر، ص ۱۵۳

۳۰- وقتی که استدلال او را شنیدم آیه‌ای از قرآن را به خاطر آوردم که می‌فرماید، "يَحْرَفُونَ الْكَلِمَةَ عَنْ مَوَاضِعِهَا" (سوره نساء، آیه ۴۹) و نیز تفسیر و تبیین حضرت بهاء‌الله را که طبق آن، "مقصود از تحریف همین است که ایوم جمیع علمای رفقان به آن مشغولند، و آن تفسیر و معنی نمودن کتاب است بر هوی و میل خود." (ایقان، ص ۵۷)

۳۱- Luise Rinser

۳۲- کتاب اقدس، بند ۱۲۵

۳۳- مکاتبه شخصی، H. Knospe، ماه مه ۱۹۹۲

بلا تردید، کتاب اقدس برای یک فرد معمولی و متوسط غربی "ثقیل" است. این که در سده نوزدهم، زمانی که فلاسفه "مرگ خداوند" را اعلام می‌کنند، خداوند از طریق نماینده و مظهر ظهورش تکلم کرده باشد، عجیب و باورنکردنی به نظر برسد، اما بسیاری از نفوس، از جمله کسانی که مدتها از دین به عنوان منبعی برای نظام اخلاقی و اجتماعی، اعراض کرده‌اند، هنوز نسبت به آرمانهای بهائی، یعنی صلح جهانی، اخوت جهانی، ازاله جمیع تعصبات و نابرابری‌ها، و تعهد این دیانت و مشارکتش در جهت ارتقاء وضعیت کثیری از نفوس انسانی در یکی از خطیرترین و بحرانی‌ترین مقاطع در تاریخ طولانی و پرفراز و نشیبش، احساس همدلی و همنوایی می‌کنند. معهداً، اینگونه نفوس نسبت به قانون ملموس مذهبی با قواعد، مناهی و احکام الزام‌آورش، با اطاعت مطلق که ایجاب می‌کند نامانوس شده‌اند؛ قانونی که نمی‌توان آن را به مبارزه طلبید، زیر سؤال برد یا مورد انتقاد قرار داد.

نه تنها هنجارهای ملموسی که در کتاب ذکر شده جاذب انتقادهای شگاکان خواهد بود، بلکه علاوه بر آن، می‌توان پیش‌بینی کرد که پدیده قانون‌گذاری الهی و نحوه عملکرد آن در کتاب اقدس با عدم درک صحیح و جدی مواجه خواهد شد، چه که با نظام‌های قانون‌گذاری بشری و اقدامات قانونی نوین ما کاملاً متفاوت است. مانند هر آنچه افراد بشر طرح‌ریزی می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، تدبیر به خرج می‌دهند و تکمیل می‌کنند، قانون‌گذاری دولتی یک جریان معقول و منطقی است. عقل و منطق حکم می‌کند که تدوین هنجارهای قانونی باید سیستماتیک باشد. کتاب اقدس ابداً یک کتاب سیستماتیک احکام نیست. محتوای آن بسیار متغیر و متنوع و بدون نظم مشهود و قابل ملاحظه است.<sup>(۳۴)</sup> فقراتی که به اساسی‌ترین تعالیم امرالله مربوط می‌شود با تقاضاها، هشدارها، تشویق‌ها، نبوتات، تلویحات و اشارات و غیره دنبال می‌شوند. همانطور که ادیب طاهرزاده می‌گوید احکام، "با فقراتی از نصایح روحانی و تشویق‌های معنوی، بیانات وزین و مهم و هدایات الهیه ممزوج می‌شوند"<sup>(۳۵)</sup>.

به نظر می‌رسید هیچ‌الگوی مشهودی برای امتزاج این دو [تعالیم روحانی و احکام] وجود

۳۴- اگر می‌گویم کتاب الهی فاقد نظم مشهود است، نباید نتیجه‌گیری کرد که ابداً دارای هیچ نظمی نیست. در قرآن نیز کلام الهی دارای نظمی مشهود نیست [ترتیب سوره‌ها بنا به تصمیم عثمان، خلیفه مسلمین، تعیین شده است (Shorter Encyclopedia of Islam 279)]. اما، همانطور که تحقیقات انجام شده در انستیتو تکنولوژی ماساچوست (MIT) نشان داده، طرح و آرایش قرآن کاملاً مبتنی بر عدد نوزده می‌باشد که بر تعداد حیرت‌انگیزی از نمونه‌ها منعکس گردیده است. خلیفه رشاد، امام جماعت مسجد توسان Tucson در آریزونا، گزارشی از نتایج این تحقیق علمی (موسوم به الحسابات الالکترونیته و معجزات القرآن الکریم، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۳) انتشار داد تا منشأ الهی قرآن را نشان دهد و نتیجه‌گیری نماید که احدی از افراد بشر ابداً نمی‌توانسته کتابی را به این ترتیب بنویسد. نشر جامع‌تر این کتاب اثر او موسوم به *Qur'an: Visual presentation of the Miracle* (قرآن: معجزه مشهود) (Tucson, Arizona: Islamic Productions, 1982 [ISBN 0-934894-30-2]) می‌باشد. خلیفه به علت انتشار این اثر در مصر شدیداً مورد انتقاد قرار گرفت و به طرفداری از بهائیان که این عدد را مقدس می‌شمارند متهم گردید. طبق مندرجات روزنامه New Straits Times طبع مالزی، مورخ ۲۵ دسامبر ۱۹۹۲، خلیفه مورد سوء قصد قرار گرفته به قتل رسید.

۳۵- Revelation of Baha'u'llah صفحه ۲۷۰

ندارد، و هیچ ارتباط قابل مشاهده‌ای نیز بین آنها نیست. حضرت بهاء‌الله، بعد از تبیین گزیده‌ترین تعالیم خود یا بیان برخی از نصایح و اندرزهای خویش، ناگهان موضوع را تغییر می‌دهند و یک یا چند مورد از احکامی را که علی‌الظاهر هیچ ارتباطی با موضوع پیشین ندارد، ارائه می‌فرمایند. (۳۶)

طاهرزاده در مثالی زیبا نحوه نزول کتاب اقدس را توصیف می‌کند:

در نزول کتاب اقدس، می‌توان حضرت بهاء‌الله را به پرنده‌ای سماوی و بهشتی تشبیه نمود که مکان و جایگاهش عالم روحانی، خارج از فهم انسانی، است و در بلندای جلال و شکوه خویش در حال پرواز است. حضرت بهاء‌الله، در آن مقام و موقف، در خصوص مواضع روحانی تکلم می‌فرمایند، حقایق امر خویش را بیان می‌کنند، و پرده از جلال و جمال ظهور خویش برای نوع بشرکنار می‌زنند. این طیر باقی و ازلی روح، از افقی چنان متعالی، ناگهان و به نحوی غیرمنتظری بر وجه جهانِ خاکی فرود می‌آید. در این مقام، حضرت بهاء‌الله احکام را بیان و تبیین می‌فرمایند. بعد، این طیر دیگر بار پروازش را به عوالم روحانی شروع می‌کند و به اوج افلاک بال و پر می‌گشاید. در اینجا لسان عظمت مجدداً با جلال و اقتدار تکلم می‌کند و برخی از ممتازترین فقراتی را که در کتاب اقدس ذخیره شده نازل می‌فرماید. (۳۷)

خود احکام، در خصوص موضوعی که بدان مربوطند، همیشه کلام آخر را بیان نمی‌کنند. گاهی اوقات موضوعی بعداً مجدداً ذکر می‌شود، فی‌المثل حرمت افیون در بندهای ۱۵۵ و ۱۹۰ آمده، ادای صلوة در بندهای ۶، ۱۰ و ۱۸ ذکر شده؛ به قبله در بندهای ۶ و ۱۳۷ اشاره شده، احکام مربوط به طهارت و نظافت در بندهای ۴۶، ۷۴، ۷۶، ۱۰۶ بیان گردیده، نهی از نزاع و جدال در بندهای ۷۳، ۹۵، ۱۴۸، ۱۸۳ ذکر شده؛ به قتل عمد انسان (قتل نفس) در بندهای ۱۹ و ۶۲ مورد بحث واقع شده، قتل غیر عمد نفس در بند ۱۸۸ بیان گردیده، نحوه معاشرت با پیروان سایر ادیان در بندهای ۷۵ و ۱۴۴ ذکر شده است. به این ترتیب یک نظم سیستماتیک را نمی‌توان به راحتی تشخیص داد. یک عالم الهیات پروتستان در رساله‌اش نوشت، "در هرج و مرجی آشفته، دستورات عملهای فرقه، سازمانها، اخلاقیات، و احکام مدنی و احکام جزائی یکی بعد از دیگری ذکر می‌شوند، و بنا به دلخواه، اظهارات شخصی این سلسله احکام را قطع می‌کند." (۳۸) یک عالم الهیات دیگر پروتستان، یک محقق شهیر آلمانی در مطالعات مذهبی، که بهائیان به او سخت مدیون هستند زیرا یکی از اولین نفوسی است که خصوصیت مستقل امر بهائی را تشخیص داد، کتاب اقدس را یک "ملغمه‌ای از دستورات عملها" می‌خواند. (۳۹) بعلاوه، استاد مطالعات شرقی در بلژیک موسوم به کریستین کانویر (۴۰) کتاب اقدس را "کاملاً آشفته و فاقد نظم

۳۷- همان مأخذ، ص ۲۷۶

۳۸- Rosenkranz, *Die Baha'i* 56

۳۶- همان مأخذ، ص ۲۷۷

۳۸- Roemer, *Babi-Behai* 109

۴۰- Christian Cannuyer

... خوانده می‌گوید که این کتاب "سبکی بی سر و ته و نامنظم را که از خرده ریزه‌های مختلف تشکیل شده، به نمایش می‌گذارد." (۴۱)

اما، آنها که خود با تاریخ دیانت بسیار آشنا هستند، باید می‌دانستند که چقدر قضاوت‌های آنها نامربوط و نادرست است. کتاب الهی هرگز به صورتی نازل نمی‌شود که نظام تفصیلی تعقلی آن به نحوی منطقی تدبیر شده و بسط یافته باشد. احکام آن ابداً به شکل طرحی از هنجارهای کلی و انتزاعی که به نحوی منطقی و سیستماتیک ساخته و پرداخته شده باشد، ارائه نمی‌گردد. کلام الهی کاملاً متفاوت است. کلامی است متشکل از فیوضاتی مؤکد، به حالتی دوراندیشانه که غلیان و فوران می‌کند. کلامی نیست که چون دستورالعملی کسل‌کننده و بیروح در عباراتی ساده، به طور سیستماتیک ساخته و پرداخته شده باشد. کلامی است مقدس، الهی، آسمانی و در ذات و جوهر خود و رای تفکر منطقی و مقولات آن. بنابراین، تعجبی ندارد که کتاب الهی به نحوی سیستماتیک خود را نشان نمی‌دهد. نه احکام عهد عتیق به شیوه‌ای سیستماتیک ارائه گردید و نه احکام قرآن به نحوی مدوّن عرضه شد. بلکه علمای الهیات و حقوقدانان بودند که بعدها آنها را مدوّن ساختند. هورانی (۴۲) این نکته را به نحو مطلوب تشریح می‌کند، "قرآن حاوی پیشنهادهایی برای جوابهایی به سؤالات کلی تر اخلاقی نیز می‌باشد، اما این یک کتاب فلسفی یا حتی مربوط به الهیات نیست." (۴۳) همیشه به عهده انسان بوده که احکام الهی را به نحوی سیستماتیک مرتب کند، چه که این پیش‌شرطی اساسی برای استفاده بعدی از آنها است.

بعلاوه قانون‌گذاری در کتاب اقدس نهایی نیست. این کتاب حاوی تمامی احکام حضرت بهاء‌الله نیست. برخی از الواح، که بعد از نزول کتاب اقدس از قلم اعلی نازل شده "مکمل حدود و احکام کتاب اقدس محسوب است." (۴۴) کتاب اقدس دارای مکملی است که حاوی جوابهای حضرت بهاء‌الله به سؤالات مطروحه به جناب زین‌المقربین، از مجتهدین سابق عالم اسلام، در خصوص کاربرد احکام می‌باشد. این همراه با اصل اجرای تدریجی احکام الهی (۴۵)، یک سیاست غیرسیستماتیک است که ما با توجه به تجارب حاصله در

---

۴۱ - Les) assez desordonne ... Il present un caractere assez decouse, fait un peu de bric et de brac

Hourani - ۴۲

Baha'is 70)

۴۴ - قرن بدیع، ص ۴۳۲

Reason and Tradition 15 - ۴۳

۴۵ - در خصوص اجرای تدریجی احکام الهی به مقدمه کتاب اقدس، طبع مرکز جهانی، ص ۱۴ مراجعه شود. اجرای حکم تک‌همسری یک نمونه است. تک‌همسری در کتاب اقدس به لحن صریح تدوین نشده است. نص صریح مرد را از اختیار کردن بیش از دو همسر ممنوع می‌سازد، و در عین حال تأکید می‌کند که به زوجه واحد قناعت نماید (کتاب اقدس، بند ۶۳). نص اشاره به حمایت حضرت بهاء‌الله از تک‌همسری دارد. بعد از صعود حضرت بهاء‌الله، حضرت عبدالجبار، مبین منصوص تعالیم مبارکه، به وضوح اظهار داشتند که دوهمسری منوط به رعایت عدالت و به این ترتیب مشروط به شرط محال است. سیر تدریجی اجرای تک‌همسری منبعت از این واقعیت بود که جامعه مؤمنین در زمان نزول کتاب اقدس، اکثراً از تبار اسلامی و مستغرق در سنت اسلامی ازدواج با چهار همسر قانونی بودند. بعدها، وقتی که سنن قدیمی متروک شد، رعایت اصل اساسی تک‌همسری صریحاً توسط جانشین منصوص حضرت عبدالجبار الزامی گشت (به ملحقات کتاب اقدس، ص ۸۳ و نیز ۱۶۶ مراجعه شود).

[توضیح مترجم: حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "سؤال هفتم راجع بترویج نمودن دو زن در آن واحد فرمودند نهی صریح است زیرا مشروط بشرط محال است." (گنجینه حدود و احکام، ص ۱۷۷) و نیز می‌فرمایند، "تجاوز از یک زوجه ... در این

قانونگذاری بشری، به آن عادت داریم. به هر حال، ما باید آن را بپذیریم و درک کنیم که کلمه‌الله را نباید با مقولات عقل و منطق مورد قضاوت قرار داد، "بر مقتضیات حکمت بالغة الهیة احدی آگاه نه." (۴۶) "ارادة الله لم تكن محدودة بحدود العباد انه لا یمشی علی طرفهم..." (۴۷) در اینجا توصیه‌ای مطرح است که ما قبلاً در عهد عتیق دیده‌ایم و با آن آشنا هستیم، "زیرا خداوند می‌گوید که افکار من افکار شما نیست و طریقه‌های شما طریقه‌های من نیست." (۴۸) حضرت بهاء‌الله بنفسه مایل نبودند کتاب اقدس کتابی مدون از احکام تلقی شود، "لا تحسبن اننا نزلنا لكم الاحکام بل فتحنا ختم الرّحیق المختوم باصابع القدرة و الاقتدار." (۴۹)

اما در تفکر غربی، که عمیقاً در نظریه‌های فلسفه روشنفکری ریشه دوانده، این کتاب تحریک‌آمیز است. مسلماً شور و اشتیاق، یعنی نیروی حیاتی روح روشنفکری فرو مرده است. مردم سوز و سرمای ناشی از انجباد عقل و منطق ادوار جدید را حس می‌کنند، آنها احساس بی سر و سامانی می‌کنند و مشتاق حرارت تجربه روحانی و امنیت متعالی هستند. امروزه بسیاری از نفوس جهان‌بینی (۵۰) را که منحصرأ مبتنی بر عالم ذاتی و فطری است رد می‌کنند. اما، آنها ترجیح می‌دهند به جای آن که "لوحه‌های سنگی" (۵۱) جدیدی را که فرامین الهی بر آنها نقشه بسته پذیرند، خود را تسلیم بی‌منطق و تاریک‌اندیشی جدید نمایند. آنها در طالع‌بینی ستارگان، در درمان از طریق تجسّد روح، اقدامات جادویی و علوم خفیه، افسانه‌های اولیه مذهب شمنی (۵۲) جستجو و طلب هدایت و تنویر فکر می‌کنند، و بسیاری از آنها با طالع‌بینان و ستاره‌بینان، و نفوسی که فال چای یا فال ورق می‌گیرند به مشورت می‌پردازند. هر آنچه که در نظر منورالفکرها "تاریک‌اندیشی و دانش‌ستیزی" تلقی می‌شد، مانند جادوگری، ساحری، اعتقاد به جادوگران، فرقه شیطان پرستان، اعتقاد به وجود روح در کائنات، حتی مراسم خونبار باستانی قربانی کردن حیوانات، دیگر بار خود را ظاهر ساخته است. معهداً، اگر همین مردم با شریعت الهی روبرو شوند، به هنجارهایی که، نه بر مبنای انتظارات خود به نام

ایام محرومیت از حق انتخاب در جامعه و از عضویت محافل روحانیه است ... قرار قطعی و حکم نهائی راجع بامانی بیت عدل اعظم است" (همان مأخذ)

جناب اشراق خاوری در گنجینه حدود و احکام (پاورقی صفحه ۱۷۸) با استناد به دو آیه از قرآن کریم استدلال می‌کنند که در اسلام نیز ازدواج با بیش از یک زوجه حرام است: "در شریعت اسلام هر چند تا چهار زن را جایز دانسته بقوله تعالی، "فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع" (سوره نساء آیه ۴)، ولی در همین آیه می‌فرمایند، "وإن خفتم ألا تعدلوا فواحدة" و در آیه ۱۲۹ همین سوره نساء اجرای عدالت را که شرط اعظم تعدد زوجات مقرر فرموده محال دانسته و بکلمه لن آن را مؤکد فرموده بقوله تعالی، "وَلن تعدلوا بین النساء ولو حرضتم." با این حکم محکم مسلمین خیراندیش از راه هوی بتحریف حکم خدا اقدام کردند و برای کلمه عدالت در تفسیر قرآن مجید در ذیل این آیه انواع متعدده قرار داده‌اند." [

۴۶- تجلی دوم از لوح تجلیات، مجموعه اشراقات، ص ۲۰۲

۴۸- کتاب اشعیا، باب ۵۵، آیه ۸

۵۰- Weltanschauung

۴۷- لوح اشراقات، مجموعه اشراقات، ص ۵۹

۴۹- کتاب اقدس، بند ۵

۵۱- مقصود لوحه‌های سنگی است که در سفر خروج تورات ذکر شده و ده فرمان خداوند بر آنها نقش بسته است - م

۵۲- shamanism یک پدیده مذهبی متمرکز بر شمن، شخصی فرو رفته در حالت خلسه که معتقدند دارای قوه‌ای برای شفای بیماران است و با عالم بعد ارتباط دارد. این اصطلاح منچوری در اصل به معنای "شخصی که می‌داند" می‌باشد (دائرة المعارف بریتانیکا).



عقل و منطقی که قبلاً خود را از شرّ آن خلاص کرده‌اند، در نظرشان عجیب و غریب جلوه می‌کند خُرده می‌گیرند و طریق انتقاد می‌پویند. (۵۳) یکی از جملات قصار پاسکال به ذهن متبادر می‌شود که، "آنها منکران بدبختی‌اند. معجزه‌های و سپازین (۵۴) را باور می‌دارند تا به معجزات موسی اعتقاد نداشته باشند." (۵۵)

آیا دلیل این نگرش متناقض چیست؟ بدیهی است ریشه در میل بشر به آزادی دارد، آزادی به این که طبق اصرارهای خویش تصمیم بگیرد که چه امری صحیح و چه امری غلط است؛ آزادی برای انتخاب طریقه زندگی خویش. خودمختاری اخلاقی انسان یکی از اعتقادات جزئی جامعه غیرمذهبی است. خصوصیت غیرشرطی و الزام آور شریعت الهی و مطلق بودن آن است که انسان امروزی از آن فرار می‌کند، همانطور که جن از بسم الله در گریز است. در عوض، در منابع دانش ستیزانه حقیقت است که به نظر می‌رسد انسان راحتی، معنی، الهام، تحقق آمال، روشنفکری و توسعه حیطه آگاهی را می‌یابد، اما در تحلیل نهائی، این منابع از فرد هیچ چیز مطالبه نمی‌کنند. طبق پیامی که آنها می‌دهند، انسان حالت الهی و ملکوتی را در نفس خویشتن دارد. به این علت است که می‌تواند حقیقت، معیارها و هدایت لازم برای زندگی را تنها با توجه به درون خود کشف کند. طبق این نظریه، هر کسی می‌تواند آنچه را که برای او بهترین است انتخاب کند، زیرا تمام طرق از اعتباری مساوی برخوردارند. مقولات صحیح و غلط، خیر و شرّ دیگر وجود ندارند. این جو خودکامگی و مطلق‌گرایی ماوراء طبیعی که در آنجا هر چه واقع می‌شود دلیلی برای موفقیت چنین جایگزین‌هایی است که به جای رستگاری عرضه می‌گردد، چه دلیلی دارد که چنین جذّاب می‌گردد؟ آنچه که باعث می‌شود جذّاب جلوه نماید این است که هیچ چیز نمی‌طلبد. همه می‌توانند از آزادی مطلق برخوردار باشند. (۵۶) این اندیشه‌ها به مراتب آسانتر و سریع‌تر از دیانتی که مبتنی بر آثار الهی و دارای الواحی از شریعت جدید است که اوامر مطلق و بلاقید و شرط دارد که بدو می‌گوید، "باید چنین کنی!"، طرفداران و پیروان را به خود جذب و جلب می‌کند.

برای برقرار کردن یک گفتگوی هدفمند با جهان و نیز مساعدتی به درک خود ما از امر الهی، عمیق شدن در اصول اساسی عقیدتی دیانت خودمان به تنهایی کافی نیست؛ ما باید معیارهای جامعه معاصر غیرمذهبی را نیز بدانیم و درک کنیم، و بفهمیم که آنها پارامترهای مطلق بالاتر از انتقاد نیستند. بلکه آنها نتیجه جریانی تاریخی و ضرورت نسبی هستند. ما باید درک کنیم هر آنچه که مسلم انگاشته می‌شود و مصون از انتقاد تلقی می‌گردد، اگرچه منبعث از جریانی تاریخی باشد، باید طبق "قسطاس الهدی" (۵۷)، یعنی کلام الهی در این عصر و

۵۳- به کتاب اخیر من تحت عنوان *Heilsgeschichte und Paradigmenwechsel* صفحات ۲۸ به بعد مراجعه کنید.

۵۴- Vespasian امپراتور روم از ۶۹ تا ۷۹ میلادی

۵۵- "Incredules les plus credules. Ils Croient les miracles du Vespasian, pour ne pas croire ceux de Moïse" (*Pensees* B 816)

۵۶- در خصوص نهضت عصر جدید به اثر نگارنده تحت عنوان *Heilsgeschichte und Paradigmenwechsel* صفحات ۲۷ به بعد مراجعه نمایید. (متن انگلیسی آن عنقریب آماده خواهد شد.)

۵۷- توضیح مترجم: طبق مآخذی که نویسنده داده است، این عبارت در کتاب مستطاب اقدس به صور مختلف نازل شده است: "قسطاس الحق" و "قسطاس الاعظم" (بند ۹۹)، "قسطاس الهدی" (بند ۱۴۸ و ۱۸۳). در ترجمه انگلیسی، مورد

زمان، سنجیده شود. در ادوار آشفته‌گی‌های روحانی، وقتی که پیامبر جدید الهی با نوع بشر تکلم فرموده، همیشه پذیرفتن این اصل که کلام قدسی که این میزان را تشکیل می‌دهد معیار و ملاک می‌باشد، نه "اوهام بشر"،<sup>(۵۸)</sup> دشوار بوده است.

حضرت بهاء‌الله اضطرابی را که کتابشان برخواهد انگیزت پیش‌بینی فرموده‌اند، کتابی که در وصفش فرموده‌اند، "هذا روح الكتب قد نفخ به في القلم العلي و أنصعق من في الانشاء."<sup>(۵۹)</sup> آن حضرت در خصوص "امر يفزع من في السموات و الارض" سخن می‌گویند که باید به "فزع الرضيع من الفطام"<sup>(۶۰)</sup> تشبیه شود. بدین لحاظ ایشان توصیه می‌فرمایند که باید حکمت، حزم، احتیاط و دوراندیشی را مرعی داشت، و هدایت می‌فرمایند که "باید به کمال محبت و بردباری ناس را به بحر معانی متذکر نمود،" و از هر آنچه که "سبب ضوضاء و نفاق و نفاق نفوس غافله گردد"<sup>(۶۱)</sup> باید اجتناب نمود. حضرت بهاء‌الله اطمینان می‌دهند:

ای عباد اگر در این ایام مشهود و عالم موجود فی الجمله امور بر خلاف رضا از جبروت قضا واقع شود دل‌تنگ مشوید که ایام خوش رحمانی آید و عالمهای قدس روحانی جلوه نماید و شما را در جمیع این ایام و عوالم قسمتی مقدر و عیشی معین و رزقی مقرر است، البته بجمیع آنها رسیده و فائز گردید.<sup>(۶۲)</sup>

لو اطلع الناس بأصل الامر لم يجز عوا بل استبشروا و كانوا من الشاكرين.<sup>(۶۳)</sup>

---

اول به unerring balance (میزان خطاناپذیر)، مورد دوم به perfect Balance (میزان کامل)، و مورد سوم به infallible Balance (میزان مصون از خطا) ترجمه شده است.

۵۸- نقل ترجمه بیان حضرت بهاء‌الله، از کتاب دور بهائی، صفحه ۲۵

۵۹- مقاله‌ای در معرفی کتاب اقدس، ص ۱۷ / اسرارالآثار ج ۱، ص ۱۶۵

۶۰- لوح رضوان العدل، آثار قلم اعلی ج ۴، ص ۲۵۳ / مائده آسمانی ج ۴، ص ۱۶۰ (حرف ع، باب ۳)

۶۱- مقدمه کتاب اقدس، طبع مرکز جهانی، ص ۱۳

۶۲- لوح احمد فارسی، مجموعه الواح مبارکه طبع مصر، ص ۳۲۹

۶۳- لوح رضوان العدل، مائده آسمانی جلد ۴، ص ۱۶۰ / آثار قلم اعلی ج ۴، ص ۲۵۳